

دانش و پژوهش در روان‌شناسی  
دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)،  
شماره بیست و چهارم - تابستان ۱۳۸۴  
صص ۶۸ - ۵۹

## رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری و اختلالات رفتاری در کودکان پیش‌دبستانی شهر اصفهان

مهرداد کلانتری<sup>۱</sup> - حسین مولوی<sup>۲</sup>

پژوهشگاه ملی مشاوره و تسلی آفات فرسبی

مرکز ملی علوم انسانی

### چکیده

شیوه‌های فرزندپروری، شیوه‌ها و روشهایی است که والدین براساس آنها، فرزندان خود را تربیت می‌کنند و در شکل‌گیری شخصیت کودک نقش بسزایی دارد. برخی از انواع شیوه‌های فرزندپروری از جمله سختگیری و وابستگی زیاد، نقش مهمی در به وجود آمدن اختلالات رفتاری کودکان دارد که کمتر مورد توجه پژوهشگران در کشور ما واقع شده است. هدف از انجام این پژوهش، بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری و اختلالات رفتاری در کودکان پیش‌دبستانی بوده است. بدین منظور، از کلیه مهدکودک‌های خصوصی شهر اصفهان ۴ مهدکودک و از این مهدکودک‌ها، تعداد ۱۲۰ دختر و پسر به اتفاق مادرانشان

۱- استادیار روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

۲- استاد روان‌شناسی دانشگاه اصفهان

۳- کارشناس ارشد روان‌شناسی عمومی

به‌طور تصادفی انتخاب شدند، مادران و مربیان به پرسشنامه فهرست رفتاری کودکان پیش‌دبستانی، پرسشنامه محقق ساخته شیوه‌های فرزندپروری پاسخ دادند. فرض اصلی پژوهش این بوده است که بین شیوه‌های فرزندپروری مبتنی بر استقلال - وابستگی و سختگیری - آسانگیری مادران و اختلالات رفتاری در کودکان رابطه معنادار وجود دارد.

نتایج نشان داد که با افزایش نمرات وابستگی در پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری استقلال - وابستگی، اختلالات رفتاری در کودکان به‌طور معناداری افزایش می‌یابد ( $P < 0/03$ ) و با افزایش نمرات سختگیری در پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری سختگیری - آسانگیری، اختلالات رفتاری در کودکان به‌طور معناداری افزایش می‌یابد ( $P < 0/01$ ).

کلید واژه‌ها: شیوه‌های فرزندپروری، اختلالات رفتاری، کودکان پیش‌دبستانی

#### مقدمه

هدف از انجام این پژوهش، بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری و اختلالات رفتاری در کودکان پیش‌دبستانی بوده است. مطالعات و بررسیها در مورد نقش خانواده در شکل‌گیری رفتار و شخصیت کودکان، نشان می‌دهد که خانواده، یکی از مهمترین عوامل مؤثر در رشد کودک است. کودکی که سالم به دنیا می‌آید، عالی‌ترین امکانات رشد را دارد، او در بهترین حالت خود آفریده می‌شود و ظرفیت آن را دارد که به نیکوترین وجهی تربیت شود و به عالیترین کمالات دست یابد. به شرط آنکه خانواده و محیط مناسب در اختیارش قرار گیرد تا در آن رشد کند. زمانی که کودک پا به عرصه وجود می‌گذارد، والدین بیشترین سعی و تلاش خود را به کار می‌برند تا بهترین و عالی‌ترین امکانات را برای رشد همه‌جانبه کودک فراهم کنند. بیشتر والدین مایل‌اند فرزندان سالم، شاداب و نیرومند داشته باشند. با وجود این، بسیاری از کودکان در طول فرایند رشد خود خصوصیات نامطلوب تربیتی را به تدریج کسب می‌کنند و از داشتن اعتماد به نفس و احساس امنیت دور می‌مانند و دچار مشکلات رفتاری می‌شوند (نلسون و ایزرائیل، ترجمه منشی طوسی، ۱۳۷۵).

آمار سازمان بهداشت جهانی، نشان می‌دهد که یک درصد کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری می‌باشند (نوابی‌نژاد، ۱۳۷۲). ریچمن و لندزدان (۱۹۸۹) در تحقیقات خود در مورد کودکان پیش‌دبستانی نشان دادند که حدود ۶٪ از کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری بوده‌اند. مطالعات دیگر نیز بیانگر این هستند که اختلال رفتاری در کودکان یک مسأله جدی و قابل تأمل است. در این مقاله، به شیوه‌های فرزندپروری مادر به‌عنوان یکی از علل اساسی مشکلات رفتاری کودکان توجه شده است.

پژوهشگران نشان داده‌اند که در بین عوامل مختلف شکل‌گیری شخصیت، شیوه‌های فرزندپروری، از مهمترین و بنیادی‌ترین عوامل محسوب می‌شوند (نوابی‌نژاد، ۱۳۷۲). از سوی دیگر اهمیت سنین قبل از دبستان، مورد تأکید و توجه بسیاری از نظریه‌پردازان و روان‌شناسان رشد کودک واقع شده است. آنها بر این باورند که کودک قبل از پنج سالگی به ۸۰ درصد رشد نهایی خود می‌رسد و هوش، استعداد، مهارت، خلق و خو و شخصیت وی در این دوران شکل می‌گیرد (شفیع‌آبادی، ۱۳۷۵).

گزل معتقد است کودکان از سنین ۵ تا ۶ سالگی نسخه کوچکی فردی هستند که در آینده خواهند بود. به عبارت دیگر، گزل بیشترین تأکید را بر اهمیت دوران پیش‌دبستانی دارد و سهم حیاتی این دوره را در شکل‌گیری شخصیت کودک گوشزد می‌کند. چرا که پایه‌های راستین شخصیت، در سنین پیش‌دبستانی استوار می‌شود.

تحقیقات انجام شده در داخل و خارج کشور، نشان می‌دهند که چگونگی رفتار والدین با فرزندان، در دوران کودکی در شکل‌گیری نظام رفتاری کودکان و بروز مشکلات رفتاری آنها نقش مهمی را ایفا می‌کند. به‌عنوان مثال نتایج تحقیقات بالدوین (۱۹۷۹) در مورد کودکان پیش‌دبستانی و خانواده آنها، نشان داده است که کودکانی که در خانواده‌های آزاد (دموکراتیک) بزرگ شده‌اند فعال، برونگرا و معاشرتی بودند و در عین حال کنجکاوی بیشتری نشان می‌دادند، از سوی دیگر فرزندان که در محیط انضباطی با نظارت تربیت شده بودند، پرخاشگری و منفی‌گرایی بیشتری داشتند. نتایج تحقیقات بامریند (۱۹۷۳)، نشان داده است که فرزندان والدین مهربان و گرم، کارآمد و متکی به خود هستند، والدینی که بر فرزندان خود زیاد از حد مسلط هستند، فرزندان بی‌ارزش می‌آورند که از احساس امنیت و اعتماد به نفس کافی برخوردار نیستند و والدین

سهل‌گیر، فرزندان بار می‌آورند که از لحاظ خویشتن‌داری در سطح پایین هستند. نتایج مطالعات برونشتاین (۱۹۹۴)، نشان داده است که بین شیوه‌های فرزندپروری گرم و حمایت‌کننده و رفتار خودابرازی کودک، رابطه وجود دارد. هچمن (۱۹۹۶)، در مطالعات خود در رابطه با خانواده‌های کودکان بیش فعال نتیجه گرفته است که کودکان بیش فعال دارای پدران سختگیر و محدودکننده و مادرانی بودند که نسبت به سایر مادران، از تنبیه بدنی بیشتری استفاده می‌کردند.

نتایج تحقیقات مؤمنی و دلاور (۱۳۷۵) که در مورد بررسی علل اختلالات رفتاری نوجوانان انجام شده، نشان داده است که بین میزان گوشه‌گیری نوجوانان و سختگیری و محدودیت زیاد در خانواده، رابطه وجود دارد. به‌طور کلی نتایج تحقیقات داخلی و خارجی، نشان می‌دهد که شیوه‌های رفتاری والدین بر ویژگی‌هایی از قبیل خودپنداری، عزت‌نفس و ایجاد مشکلات رفتاری کودکان مؤثر می‌باشد. همچنین نتایج تحقیقات و بررسی‌ها در زمینه رفتارهای سختگیرانه و استبدادی والدین، حاکی از آن است که فرزندان، در این خانواده‌ها، اعتماد به‌نفس، استقلال و خلاقیت کمتری دارند. از سوی دیگر، فرزندان خانواده‌های آزادمنش، دارای عزت‌نفس بالا، خویشتن‌داری و استقلال رأی بیشتری هستند. با توجه به آنچه گفته شد، مسأله اساسی این پژوهش، شناخت و بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری و اختلالات رفتاری در کودکان می‌باشد. شناخت این رابطه، موجب شناسایی شیوه‌های سالم و ناسالم فرزندپروری می‌شود و چنین شناختی ممکن است نقش بسزایی در پیشگیری از مشکلات رفتاری کودکان داشته باشد.

## روش

جامعه آماری مورد نظر در این تحقیق، کلیه کودکان گروه سنی شرکت‌کننده در کلاس‌های آمادگی مهدکودک‌های خصوصی شهر اصفهان و مادرانشان بودند. در این تحقیق نمونه‌گیری به شیوه خوشه‌ای و تصادفی ساده بود. از بین ۷۶ مهدکودک خصوصی شهرستان اصفهان، ۴ مهدکودک به صورت خوشه‌ای تصادفی انتخاب شدند و از هر مهدکودک ۳۰ دختر و پسر، در گروه سنی (۵ و ۶ ساله) انتخاب شدند که جمعاً ۱۲۰ نفر

بودند. حجم نمونه با توجه به اینکه تحقیق از نوع همبستگی است انتخاب شده است (دلاور، ۱۳۸۰).

به منظور جمع‌آوری اطلاعات، ابتدا با مربیان مهدکودک‌ها هماهنگی به عمل آمد و مادران کودکان و مربیان هر مهدکودک، در جلسات توجیهی شرکت نمودند و اهداف پژوهش برای آنها تبیین گردید. سپس پرسشنامه مربوط به مادران و کودکان بین مادران و مربیان مهدکودک توزیع شد و پس از دو ماه کلیه پرسشنامه‌ها جمع‌آوری و نمره‌گذاری شد.

### ابزار

ابزار تحقیق شامل دو پرسشنامه بود که درباره هر یک توضیح داده می‌شود.

۱- پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری: این پرسشنامه محقق ساخته که نویسندگان این مقاله تهیه و تنظیم کرده بودند، دارای ۶۲ سؤال است و شامل دو خرده‌مقیاس سختگیری - آسانگیری و استقلال - وابستگی می‌باشد. برخی از سؤالات به صورت درست، نادرست، تا حدودی درست و برخی نیز به صورت زیاد، تا حدودی و خیلی کم نمره‌گذاری می‌شوند و به ترتیب نمرات صفر، یک و دو را دریافت می‌دارد. این پرسشنامه را مادر تکمیل می‌کرد. در یک مطالعه مقدماتی برای سنجش پایایی، ضریب آلفای کرونباخ در دو خرده‌مقیاس برابر با  $0/70$  و  $0/73$  محاسبه شده است.

۲- پرسشنامه فهرست رفتاری کودکان پیش‌دبستانی<sup>۱</sup>: این پرسشنامه مقیاسی برای گزینش مشکلات رفتاری کودکان پیش‌دبستانی است که آن را مک‌گوار<sup>۲</sup> و ریچمن (۱۹۸۶) استاندارد کرده‌اند و کلاتری (۱۹۸۹)، به فارسی برگردانده است. این پرسشنامه دارای ۲۲ سؤال است با حداکثر نمره، ۴۴ و نقطه برش ۱۲ برای جدا کردن کودکان مشکل‌دار و بدون مشکل و در برگیرنده اکثر مشکلات رفتاری کودکان پیش‌دبستانی می‌باشد. هر سؤال، شامل یک مشکل رفتاری خاص است و به صورت

غالباً، گاهی یا به ندرت ارزیابی شده است و به ترتیب نمرات ۲ و ۱ و صفر را دریافت می‌کند. ضریب آلفای کرونباخ در مطالعه مقدماتی ۰/۸۳ بوده است. فرضیه‌های این تحقیق عبارت بودند از:

۱- بین شیوه، فرزندپروری استقلال - وابستگی و اختلالات رفتاری رابطه معنادار وجود دارد، بدین معنی که هر چه شیوه فرزندپروری مبتنی بر وابستگی مادر و فرزند باشد، اختلالات رفتاری در فرزند بیشتر است.

۲- بین شیوه فرزندپروری سختگیری - آسانگیری با اختلالات رفتاری رابطه معنادار وجود دارد، بدین معنی که هر چه مادران سختگیرتر باشند، اختلالات رفتاری فرزندان بیشتر است.

## نتایج

جدول ۱- ضرایب همبستگی بین نمرات استقلال - وابستگی و سختگیری - آسانگیری با نمرات اختلالات رفتاری

شیوه فرزندپروری	ضریب همبستگی ۲	ضریب تعیین	سطح معناداری
استقلال - وابستگی	۰/۱۷	۰/۲۹	۰/۰۳
سختگیری - آسانگیری	۰/۳۹	۰/۱۶	۰/۰۱

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، ضریب همبستگی بین شیوه فرزندپروری استقلال - وابستگی و اختلالات رفتاری برابر با ۰/۱۷ و معنادار می‌باشد ( $P < ۰/۰۵$ ). ضریب تعیین نشان می‌دهد که ۲۹ درصد از واریانس شیوه فرزندپروری استقلال - وابستگی با اختلالات رفتاری مشترک است. همچنین ضریب همبستگی بین شیوه فرزندپروری سختگیری - آسانگیری با اختلالات رفتاری برابر با ۰/۳۹ و معنادار می‌باشد ( $P < ۰/۰۱$ ). ضریب تعیین نشان می‌دهد ۱۶ درصد از واریانس شیوه فرزندپروری سختگیری - آسانگیری با اختلالات رفتاری مشترک است.

## بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش بیانگر رابطه بنیادین بین شیوه‌های فرزندپروری و اختلالات رفتاری در کودکان پیش‌دستانی است.

تجزیه و تحلیل یافته‌های فرض اول پژوهش نشان داد که بین شیوه فرزندپروری استقلال-وابستگی و اختلالات رفتاری، رابطه معنادار وجود دارد. بدین معنی که هر چه میزان نمرات وابستگی به مادران بیشتر باشد، میزان اختلالات رفتاری کودکان نیز بیشتر می‌شود. این نتایج با نتایج برونشتاین (۱۹۹۴)، مبنی بر اینکه نحوه تعامل والدین کودک، بر تخفیف و تشدید علایم اختلال رفتاری کودکان تأثیر دارد، همسو می‌باشد. بارکلی (۱۹۸۱) نیز در مطالعات خود دریافت که سازگاری، با گروه همسالان در فرزندان که زیاد حمایت می‌شوند، کمتر دیده شده است. همچنین نتایج این تحقیق با نتایج مطالعات بامریند (۱۹۷۳)، مبنی بر اینکه کودکانی که بیش از حد تحت تسلط والدین خود هستند اعتماد به نفس کافی ندارند همسو می‌باشد. بسیاری از روان‌شناسان نیز بر این باورند که کودکانی که تحت مراقبت بیش از حد والدین قرار می‌گیرند، استقلال خود را از دست می‌دهند، واکنش کودکان نیز در این زمینه حالت تسلیم و از بین رفتن اعتماد به نفس می‌باشد و می‌تواند به صورت انواع اختلالات رفتاری جلوه‌گر شود.

تجزیه و تحلیل یافته‌های فرض دوم پژوهش نشان داد که بین شیوه فرزندپروری سختگیری-آسانگیری با اختلال رفتاری رابطه معنادار وجود دارد. به عبارت دیگر، هر چه میزان سختگیری مادران بیشتر باشد، اختلالات رفتاری در کودکان نیز بیشتر می‌شود. نتایج این تحقیق با نتایج مطالعات پاترسون<sup>۱</sup> و همکاران (به نقل از کلاتری، ۱۳۷۲) مبنی بر اینکه شیوه‌های تنبیهی و رفتار سرد و خشن و شیوه‌های انضباطی شدید والدین، با بیش فعالی و اختلال کردار در فرزندان رابطه دارد و نیز با مطالعات بوری (۱۹۹۱) مبنی بر اینکه کاربست شیوه‌های انضباطی شدید، عزت نفس کودکان را خدشه‌دار می‌کند، همسویی دارد. و همچنین نتایج این پژوهش با مطالعات نظیری و بیرشک (۱۳۷۸)، رضایی (۱۳۷۵) و مؤمنی و دلاور (۱۳۷۵) مبنی بر اینکه شیوه‌های فرزندپروری مستبدانه، موجب اضطراب، گوشه‌گیری و عدم بلوغ اجتماعی و عدم کفایت می‌گردد، هم‌سو می‌باشد.

رابطه والدین و کودکان و نقش آن در شکل‌گیری شخصیت کودکان، یکی از مباحث اساسی در تربیت کودک است. رفتار والدین، ابعاد مختلف دارد و فقط شامل تغییرات یکنواخت نمی‌شود. والدین ممکن است هم فرزندان خود را دوست بدارند و هم اینکه آنها را طرد کنند یا در عین دوست داشتن در انضباط نیز سختگیری کنند، رفتار کودک نیز نتیجه ترکیب عوامل مختلف می‌باشد. شیوه‌های فرزندپروری یکی از ابعاد فضای خانوادگی است. شیوه‌های معیوب فرزندپروری فضای خانوادگی را تخریب می‌کند.

والدین، ممکن است گاه آسانگیر و گاه سختگیر باشند و این ناپایداری، معلول عوامل مختلفی از جمله وضعیت اقتصادی خانواده، تولد کودک جدید، آشفتنگی‌ها و نابسامانی‌های خانوادگی، تحصیلات والدین و جنسیت کودکان می‌باشد. همان‌گونه که ذکر شد، فرزندان والدین سختگیر، خصوصیات از جمله گوشه‌گیری، اضطراب، عدم اعتماد به نفس و غیره دارند و والدین آسانگیر فرزندان کارآمد و مستقل و متکی به خود بار می‌آورند. آنچه که بسیار مهم است، توجه به این نکته است که سختگیری و آسانگیری بیش از اندازه، هر دو دارای معایبی است و والدین بایستی در کلیه شیوه‌های تربیتی خود اعم از انضباط، کنترل و نظارت، مراقبت و محافظت از کودک، اعطای آزادی و سایر شیوه‌ها رعایت اعتدال را بنمایند تا نتایج مطلوب‌تری به دست آورند.

مسلماً تربیت کودکان نمی‌تواند به کاربرد مجموعه دستورالعمل‌ها و فرمول‌های آزمایش شده محدود شود. حتی اگر والدین فنون تربیتی خود را یکسان به کار ببرند، کودکان همگام با بزرگ شدن کاملاً متفاوت خواهند بود. بنابراین والدین باید به شیوه‌های مؤثر و اثربخش توجه داشته باشند و با تجدیدنظر مستمر در تجربه‌های تربیتی خود، شیوه‌های معیوب فرزندپروری را ترک کنند و به شیوه‌های مؤثر و کارآمدتر روی آورند. در نهایت کودکان دست‌پرورده والدین خود هستند. اگر شیوه‌های تربیتی والدین اصلاح شوند، مشکلات رفتاری کودکان نیز اصلاح خواهد شد. دوران پیش‌دبستانی مناسبترین زمانی است که والدین می‌توانند ثبات و هماهنگی را در تربیت فرزندان خود بیاموزند، آنرا تجربه کرده و تداوم دهند تا موجبات رشد و شکوفایی فرزندان خود را فراهم کنند.



## منابع

- دلاور، علی. (۱۳۸۰)، روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، تهران، نشر ویرایش.
- رضایی، م. (۱۳۷۵)، «بررسی رابطه بین شیوه‌های فرزندپروری با بلوغ اجتماعی دانش‌آموزان راهنمایی منطقه ۶ تهران»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی و مشاوره، تهران، دانشگاه تربیت مدرس.
- شفیع‌آبادی، عبدالله. (۱۳۷۵)، فنون تربیت کودک، تهران، انتشارات چهر.
- کلاتری، مهرداد. (۱۳۷۲)، شناخت و درمان مشکلات رفتاری کودکان، اصفهان، انتشارات کنکاش.
- مؤمنی، خدیجه. علی دلاور. (۱۳۷۵)، بررسی عوامل فرهنگی اجتماعی مؤثر بر اختلالات رفتاری نوجوانان شهر کرمانشاه، کرمانشاه، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- نظیری، قاسم. بهروز و بیرشک. (۱۳۷۸)، «شیوای فرزندپروری کمال‌گرا و ویژگیهای کمال‌گرایانه پدران و مادران عامل زمینه‌ساز اختلال وسوس اجباری»، فصلنامه اندیشه و رفتار، سال پنجم شماره ۳.
- نلسون، ری‌وسی. آل، ایزرائیل. اختلالات رفتاری کودکان، ترجمه محمدتقی منشی طوسی، (۱۳۷۵)، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- نوابی‌نژاد، شکوه. (۱۳۷۲)، سه گفتار درباره راهنمایی و تربیت فرزندان، تهران، انتشارات انجمن اولیا و مربیان.
- ANDERSON, H. (1996). Maternal child-rearing attitudes, IQ. and socioesonomic status and cognitive abilities of five-year-old children. *Psychological Reports*, V 79 NO(1) PP 3-14.
- BALDWIN, A.L. (1979). The effect of home environment on nursery school behavior. *Child Development*, V 20, PP 49-62.
- BARKLEY, R.A. (1981). The assessment of ADHD. *Behavioral Assessment-9-207-233*.
- BAUMRIND, D. (1973). Effect of authoritative parental control on child behavior. *Child Development*, V, 37. PP 887-907.
- BELSKY, J. (1990). Exploring individual difference in marital change across the expectation. *Journal of Marriage and family*, vol, 5, pp 10-37.

- BRONSTEIN, P. (1994). Patterns of parent-child interaction in Mexican families: Across cultural perspective. *Journal of International Behavioral Development*, V. 1.7, No s. pp 23-40.
- BURI, J. (1991). Parental authority questionnaire. *Journal of Personality Assessment*, V. 57, pp 110-11-9.
- HECHTMAN, L. (1996). Families of children with attention deficit, hyperractivity disorder, *Journal of child studies*. V.15, pp 153-163.
- KALANTARI, M. (1989). Conduct disorder in preschool children, Ph.D. Thesis, LONDON: University of London, Institute of psychiatry.
- MCGUIRE, J. and RICHMAN, N. (1986). Screening for behaviour problems in nurseries: the reliability and validiti of the preschool behaviour checklist, *J. Child psychology and psychiatry*, 27, 7-32.
- RICHMAN, N. and LANDSDAWN, R. (1989). *Preschool children*, New York: Drisbane.

شوریشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

وصول: ۸۰/۸/۱۸  
پذیرش: ۸۲/۱/۱۹